

باتلاق نظامی در عراق و افغانستان

نوشته: جره می بره شر و برندن اسمیت:

بترتیب تاریخدان جنبش کارگری آمریکا، حقوقدان و مولفین:
«بنام دموکراسی: جنایات جنگی آمریکا در عراق و ماورای آن».

در ایالات متحده همانند اروپا معمولاً جنبش‌های حمایت از صلح به جناح چپ انتصاب داده میشود. اما پیدایش جریان مخالفت با جنگ در میان راست‌گرایان که در ابتدا بسیار ضعیف بود این گروه بندی را رد میکند. شکست فاجعه آمیز جنگ عراق، در حال تغییر این جویبار به رودخانه عظیمی است. این پدیده میتواند سرکردگی محافظه کاران را در سیاست آمریکا تهدید نماید.

در زمان جنگ سرد توافق بر سر مسابقه تسلیحاتی و رویارویی با کمونیسم، اکثریت آمریکاییان را متحد ساخته بود. محافظه کارانی نظیر سناتور بری گلدواتر کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۶۴ و هوادار تشدید جنگ ویتنام در آن زمان، مدافعان سرسخت این سیاست بودند.

ولی لیبرال‌هایی همچون جان اف کندی که در سال ۱۹۶۳ به قتل رسید و جانشین وی لیندن ب. جانسون، از نوامبر ۱۹۶۳ تا ژانویه ۱۹۶۹ (تاریخی که ریچارد نیکسون در کاخ سفید جایگزین وی گردید) نیز به همان روش جنگ طلبانه امور را اداره میکردند.

شکست فاحش آمریکا در ویتنام گواه آن است که جنبش ضد جنگ، در نهایت به رهبری حزب دمکرات منجر شد. محافظه کاران مسئولیت این شکست را بر گردن «خنجر از پشت زدن» جنبش صلح طلبان و مترقی می‌نهند.

زمانی که دولت بوش تصمیم به حمله به عراق گرفت از حمایت بی دریغ جمهوریخواهان برخوردار گردید، در مقابل، بیش از نیمی از نمایندگان دمکرات کنگره، بر علیه تصویب قطعنامه اعلام جنگ، رأی دادند. (۱)

در همین زمان، اقلیت ناچیزی از محافظه کاران به مخالفان پیوستند. پاتریک بوکانن کاندیدای ریاست جمهوری در سالهای ۱۹۹۲ و ۲۰۰۰ و تهیه کننده متون سخنرانیهای ریچارد نیکسون اعلام نمود: «جنبش جمهوریخواهان منحرف گشته و تبدیل به ایدئولوژی مرزهای باز، جهانگرا و مداخله گرانه گردیده و دیگر آن جریان محافظه کارانه ای نیست که من با آن بزرگ شدم» (۲) و هشدار میدهد: «ما بزودی جنگ امپریالیستی بر علیه عراق با همان تهوری که "پو آلوها" و "تامی های" بریتانیایی، که در اوت ۱۹۱۴ به برلن رفتند، آغاز خواهیم نمود»، وی می افزاید: «هنگامیکه صدام حسین شکست خورد، نو محافظه کاران که بی صبرانه در انتظار جنگ چهارم جهانی میباشند (جنگ سوم مبارزه بر علیه کمونیسم بوده) جنگهایی به شیوه جراحی و کوتاه، بر علیه سوریه و ایران آغاز خواهند نمود» (۳). نماینده فوق لیبرال، ران پل، نیز بر علیه قطعنامه جنگ عراق رأی داد (وی همچنین طرفدار کناره گیری آمریکا از سازمان ملل متحد میباشد)

طرد ریاست جمهوری امپراطور ماب !

در میان محافظه کاران مخالف جنگ، از همه جالبترشان گروهی است که سایت اینترنتی «آنتی وار» (ضد جنگ) (۴) را اداره میکند و مدافع عدم مداخله و مخالف امپریالیسم می باشد، و پیشنهاد سیاست «آزاد سازی»** (یا سرمایه داری بی بند و بار آنارشیستی) را می نماید. این گروه از راندولف بورن از صاحب نظران جنگ اول جهانی که از نظرش «دولت به همت جنگ ثروتمند میگردد» و از نویسندگان محافظه کار گاره گارت از مخالفین جنگ سرد که بنظرش

تخاصم مرگباری بین دولت به مفهوم جمهوریخواه آن که نماینده مردم برپایه قانون اساسی است ، و امپراطوری وجود دارد» ، الهام میگیرند.

این سایت که مورد توجه بسیاری از فعالان چپ است ، به طور مداوم و با جزئیات ، طیف وسیعی از اخبار مربوط به مداخلات نظامی آمریکا در جهان را در اختیار میگذارد. این گروه ، دشمن خستگی ناپذیر جناحهایی از جمهوریخواهان و دمکراتها است که آنها را « حزب جنگ » میخواند ، و مخالفان جنگ طلبان و امپریالیسم ، چه از چپ و چه از راست ، را به همیاری دعوت می نماید.

هیچکسی به اندازه والتر جونز نماینده بشدت مسیحی و محافظه کار کارولاینای شمالی از تسخیر عراق حمایت ننمود. هنگامی که فرانسه در مقابل حمله آمریکا موضع گرفت ، وی جریانی را بر اه انداخت ، تا تمام کافه تریا های کنگره کلمه « فرنچ فرایز » (سیب زمینی سرخ کرده به سبک فرانسوی) را با کلمه « فریدوم فرایز » (سیب زمینی سرخ کرده آزادی) جایگزین کنند. دو ماه بعد همین نماینده در مراسم خاکسپاری یک سرباز جوان از حوزه انتخاباتی وی که در نصیریه کشته شده بود ، به هنگامی که همسر بازمانده این سرباز یکی از آخرین نامه هایش را میخواند به شدت متاثر گردید. کمی بعد با جیمز بامفورد نویسنده کتاب « یک بهانه برای جنگ » ، کتاب ضد جنگ ژنرالهای بازنشسته و مخالف اشغال عراق ، و همچنین با سیندی شیهان یکی از فعالان ضد جنگ ملاقات نمود (۵) . و در نهایت قطعنامه ای را ارائه کرد که دولت بوش را وادار به زمان بندی برای خروج از عراق مینمود (۶) . وی اظهار داشت که از انتقام گیری سیاسی باکی ندارد و اظهار داشت : « من کاری را انجام میدهم که فکر میکنم خدا از من میخواهد انجام دهم ».

درجه دارن ارتش آمریکا از محافظه کاران به شمار میایند ، و اکثریت قریب به اتفاقشان به جمهوریخواهان رأی میدهند ، مافوقین خود را همواره حمایت کرده و به کابرد نیروی نظامی باور دارند. با این حال ، بانی جریان محافظه کارانه قوی ای در مخالفت با مداخله یک جانبه جرج دبلیو بوش گشته اند.

آنتونیو زینی ژنرال بازنشسته نیروی دریایی که نیروهای مسلح آمریکا را به مدت چهار سال در خاورمیانه فرماندهی نموده بود، از ابتدای جنگ عراق، به مخالفت با آن برخاست. وی اظهار داشت: «در عراق ما به مثابه یک نیروی استعمارگر جلوه کرده ایم، خصوصاً در شرایطی که بدون مجوز سازمان ملل وارد شدیم». بنظر وی همه کسانی که تجربیاتی در این منطقه دارند «میدانستند که این یک فاجعه خواهد بود» (۷).

همچنین بی اعتنایی و زیر پا نهادن تعهدات گذشته آمریکا در مقابل قراردادهای ژنو توسط دولت بوش، مخالفت شدیدی را برانگیخته است. زمانی که آشکار گردید که آلبرتو گونزالس، مشاور حقوقی بوش بانی این سیاست میباشد، دوازده تن از روسای بازنشسته ارتش آمریکا، بر علیه انتخاب وی به سمت وزارت دادگستری شهادت دادند. پیشقدمی دولت در رابطه با احتمال ضربات نظامی به ایران نیز مورد استقبال واقع نشده است. پنتاگون بشدت با آن مخالفت میورزد، و سیمور هرش در روزنامه نیویورکر گزارش داد که روسای ستاد ارتش «به توافق رسیده اند تا بصورت رسمی پیشنهاداتی را مبنی بر مخالفت مطلق شان با دور نمای اتخاذ روش هسته ای در رابطه با ایران ارائه دهند» (۸).

همچنین حمایت روشنفکران محافظه کار از دولت بوش نیز فرو می پاشد. شاهد آن، جدایی و انشعاب تماشایی *فرانسیس فوکو یاما* مؤلف «پایان تاریخ و انسان واپسین» (۹) میباشد. وی که امضاء کننده نامه ای در سال ۱۹۹۷ است که ایالات متحده را به سرنگونی صدام حسین فرا میخواند، در ابتدای سال در مجله نیویورک تایمز نتیجه میگیرد:

«به هنگامی که جنگ عراق وارد سومین سال میشود بنظر قویاً غیر محتمل میرسد که تاریخ از این مداخله و نظرات ناشی از آن به خوبی یاد نماید»، وی میافزاید: «دکترین بوش که چهار چوب دوره اول ریاست جمهوری وی را تبیین مینمود، امروز نمایش تاسف انگیزی را ارائه میدهد».

(۱۰)

قلب اندیشمندان محافظه کاران مورد هدف واقع گردیده. از نظر ویلیام باکلی، از بنیان محافظه کاری مدرن: «نمی‌توان تردید داشت که آمریکا به اهداف خود در عراق دست نیافته است» (۱۱). متعاقب جنگ لبنان جرج ویل مقاله نویس معروف و محافظه کار، اراده نومحافظه کاران در جهت تغییر نقشه منطقه را مردود دانست و می‌افزاید: «واقع بینان سیاست خارجی براین باورند که هدف، رسیدن به ثبات در خاورمیانه است. منتقدین آنها که واقعگرایی را متهم به عدم جاه طلبی مینمایند، معتقد بودند که مسئله، ثبات است، که آن هم حل شد» (۱۲). آقایان ویلیام باکلی و جرج ویل هر دو بیان داشتند که از دید آنها آقای بوش یک محافظه کار نیست (۱۳).

بخش مهمی از عدم رضایت آنها ناشی از گسترش «ریاست جمهوری امپراطور مآبانه» و بی‌اعتنایی دولت بوش به محدودیت‌های تحمیل شده از جانب قانون اساسی بر قوه مجریه می‌باشد. انجمن کاتو معروف‌ترین جریان فکری «آزاد سازی مطلق» گزارشی را منتشر ساخت بنام:

Power surge: The constitutional Record of George W. Bush

(قدرت فزاینده: پرونده قانون اساسی جرج دبلیو بوش) که در آن این نگرانی را به زبان «آزادی طلبان مطلق» مترقی مطرح ساخت. این گزارش رشته‌ای از تخلفات را افشاء مینماید: انکار آزادیهای فردی، تخلف از قرارداد های بین‌المللی در مورد شکنجه، پایمالی حقوق برگزاری محاکمات در مقابل هیئت منصفه و نادیده انگاشتن محدودیت‌های قدرت رئیس‌جمهوری در زمینه جنگ. از نظر انجمن کاتو کاخ سفید معتقد است «در زمان جنگ، همه چیز مجاز بوده و بر ریاست جمهوری است که تصمیم بگیرد چه زمانی ماوارد جنگ شویم». یک چنین برداشتی که میبایست «تمام بازیگران صحنه سیاست را نگران سازد» به این منجر میگردد که «یک رئیس‌جمهوری میتواند به میل خود جنگ براه اندازد و هیچ محدودیتی نمی‌تواند مانع حکم وی در اعمال جنایات جنگی گردد، اگر خوشایند وی نباشد».

تابستان گذشته ، این مشکل محافظه کاران در صحنه سیاسی پدیدار گردید . کریستوفر شی یز، وکیل سرسخت طرفدار اشغال عراق ، پس از آنکه شاهد شکست جوزف لیبرمن ، سناتور ایالت کانک تیکا ت و از طرفداران جنگ عراق در دور مقدماتی انتخابات دموکراتها بود ، جدول زمانبندی عقب نشینی نیروهای آمریکایی را ارائه نمود (۱۴) .

از جانب دیگر ، سناتور جمهوریخواه وکاندیدای ریاست جمهوری چاک هیگل معتقد است که « وقایع عراق تکرار کامل ویتنام میباشد». و سرنوشت کشور «توسط ملت عراق به همانگونه که در مورد ویتنام بود تعیین خواهد گردید». آقای هیگل توصیه میکند که عقب نشینی نظامی در ابتدای سال آینده آغاز شود (۱۵).

درعین حال ، سایر محافظه کاران، دولت را به عدم شدت عمل متهم مینمایند. برای آنها ایران با ائتلاف وقت به دنبال دستیابی به قدرت هسته ای است، کره شمالی بدون هیچ عقوبتی به آزمایشات موشکی دست میزند ، و حزب الله در تمام خاور میانه پیشروی می نماید.

رئیس سابق مجلس نمایندگان ، نیوت گرینویچ که ضمناً در نظر دارد در انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت نماید ، در مقابل سیاست تنش زدائی موضع گرفته می گوید: « ما این توهم دیپلمات ها و وکلا ، که نشانه ای از پیشرفت در مذاکرات را می بینند ، را پذیرفتیم ، در حالی که کره شمالی و ایران سرگرم تهیه بمب و موشک می باشند . مرحله بعدی برای "کوندی" (کوندولیزا رایس منشی دولت) این خواهد بود که با کیم جونگ ایل برقصد؟» (۱۶).

خنجر خوردن از پشت

حتی اگر نتوانند حضور نظامی نامحدود آمریکا در عراق را بدست آورند ، این جمهوری خواهان زمینه را به گونه ای آماده میسازند که بتوانند شکست سیاست های خود را بر گردن مخالفان و یاران نیمه راه بی اندازند.

افسانه «خنجر خوردن از پشت» در گذشته نیز، در دوران پس از جنگ ویتنام به خدمت تشدید نظامی گرای محافظه کاران گرفته شده است.

تا کجا این مخالفت ها پیش خواهد رفت ؟ اگرچه فعالین آنتی وار (ضد جنگ) که بنفع رد نظامی گرای و امپریالیسم آمریکا، مبارزه می کنند و بسیاری در جناح چپ آن را می پذیرند، اما سایر مخالفین دست راستی نه براساس اصول اعتقادی شان بلکه فقط زمانی بر علیه جنگ موضع گرفتند که به خوبی پیش نمیرفت.

فروپاشی حمایت محافظه کاران از جنگ میتواند نتایج مهم سیاسی ای ببار آورد. استراتژی انتخاباتی جمهوریخواهان در آخرین تحلیل، اقتضاء می نماید که افراد بر خلاف منافع خود - برنامه های اقتصادی و اجتماعی ای که از آن برخوردارند - رأی دهند.

این حرکت گمراه کننده، زمانی مورد توجه واقع میگردد که جناح راست موفق گردد رأی دهندگان را متقاعد سازد، که تنها سیاست سلطه گرایی است که میتواند امنیت مردم را، در دنیای پر مخاطره امروز تضمین نماید. چگونه آنها میتوانند مردم را بر این باور نگاه دارند وقتی که خود دیگر به آن اعتقادی ندارند ؟

نماینده سابق جمهوریخواه، جو/سکار بورو برنامه گفتگوی معروفی بر روی ام.اس.ان.بی.سی. اجراء مینماید. اخیراً اعضاء گروه وی در این برنامه در مورد اینکه «سلامت فکری جورج دبلیو بوش باعث چه لطماتی به اعتبار آمریکا در زمینه داخلی و خارجی» شده است بحث می کردند. در همین زمان، بر روی صفحه تلویزیون نوشته «آیا بوش یک احمق است؟» ظاهر گردید. وقتی در این رابطه از او سؤال شد، وی توضیح داد که بسیاری از افراد، در رابطه با ظرفیت فکری! رئیس جمهور، خصوصاً در مورد عراق، از خود سؤال میکنند. این نماینده جمهوریخواه در ابتدا، جنگ را حمایت کرده و اکنون معتقد است که زمان آن فرا رسیده که راهی برای خاتمه آن بیابیم.

Libertarienne**

(۱) تصویب شده در اکتبر ۲۰۰۲ با ۷۷ رأی در مقابل ۲۳ در سنا و ۲۹۶ رأی در مقابل ۱۳۳ در مجلس نمایندگان .

(۲) The New York Time ، ۸ سپتامبر ۲۰۰۲

The ، سرمقاله ، آرلینگتون (ویرجینیا) ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۲ .
American Conservative (۳)

(۴) www.antiwar.com

(۵) خانم سیندی شی هان، که پسر ۲۴ ساله اش ، کیسی ، در دؤم آوریل ۲۰۰۴ در عراق کشته شده، کارزار هایی را بر علیه جنگ دنبال میکند.

<<The three conversions of
Walter B. Jones>>، مادر جونز، سافرنسیسکو ژانویه - فوریه ۲۰۰۶ .
(۶) رابرت دری فوس ،

(۷) <<Former Bush envoy, Centcom chief calls Iraq war a blunder>> MSNBCT می ۲۶.۲۰۰۴ ،

(۸) رجوع شود به مقاله آناتول لی ون <<ارتش آمریکا خسته از جنگ>> لوموند دیپلوماتیک ژوئن ۲۰۰۶.

(۹) فلا ماریون ، مجموعه << Champs >> ، پاریس ، ۱۹۹۲

(۱۰) فرانسیس فوکویاما << After neoconservatism>> The New York Times ،

۱۹ فوریه ۲۰۰۶. همچنین مقاله هوبرت ودرین << شکاف در میان نو محافظه کاران ایالات

متّحده >> لوموند دیپلوماتیک سپتامبر ۲۰۰۶

(۱۱) اعلامیه ۲۶ فوریه ۲۰۰۶

<<Pundits renounce the president: Among conservative voices, discord>> واشنگتن پست ، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ (۱۲) پتر بیکر ،

The National Catholic Reporter, << The conservative crack-up>> (۱۳) ، کانزاس سیتی ، اول سپتامبر ۲۰۰۶

(۱۴)

واشنگتن پست ، ۲۹ اوت E.J.Dionne Jr. <<Slowly sliding to Iraq's exit>> ۲۰۰۶. همچنین مقاله << از بین رفتن یک متّحد بوش>> ،

www.monde-diplomatique.fr/carnet/2006-08-10-lieberman

(١٥) برنامه تلويزيوني << Fox News Sunday >> ، ٢٠ اوت ٢٠٠٦

www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2006/07/18/AR2006071801373.html (١٦)